

## تأملی بر انگاره فقیهان در باب

# اشتراط «اتحاد جنس» در تحقق ربای معاملی\*

- احسان علی اکبری بابوکانی<sup>۱</sup>
- احمدعلی قانع<sup>۲</sup>
- محمدهادی حبیب‌اللهی<sup>۳</sup>

### چکیده

ربای معاملی یکی از اقسام ریاست که مشهور فقها سه شرط: ۱. مکیل و موزون بودن، ۲. اخذ زیاده و ۳. هم‌جنس بودن عوضین را شرط تحقق آن می‌دانند. منظور از هم‌جنس بودن در کلام فقها این است که اگر عرف یک لفظ خاص را بر دو شیء مشابه حمل کند، نمی‌توان آن دو را با تفاضل با هم معامله کرد و حتماً باید از لحاظ مقدار برابر باشند. این قول فقها در حالی است که عرف مردم برای دو کالای مشابه ولی با صفات متفاوت، ارزش معاملاتی متفاوت قائل می‌شوند و عقل هم حکم می‌کند که گرفتن زیاده نه تنها جایز است، بلکه لازمه انعقاد معامله خواهد بود. فقها ضمن اشاره به روایاتی که در این باب ذکر شده،

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۲.

۱. استادیار دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) (e.aliakbari@ahl.ui.ac.ir).

۲. دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) (4ghane@gmail.com).

۳. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع) (mhabib.67@gmail.com).

این شرط را تعبدی فرض کرده و همگی به صورت اجماعی بر آن حکم داده‌اند. در این مقاله ضمن بررسی ادله بدین نتیجه رسیدیم که روایات این باب، لزوم هم جنس بودن را با تعبیری که فقها دارند، نمی‌رساند و می‌توان معیار «هم‌ارزش بودن» را جایگزین هم جنس بودن نمود. بدین ترتیب اگر ارزش دو کالا مشابه نبود، نه تنها گرفتن زیاده جایز است، بلکه نگرفتن زیاده عین ربا خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** ربا، ربای معاملی، مکیل و موزون، تفاضل عوضین، اتحاد جنس عوضین.

## درآمد

ربا از جمله گناهان کبیره است که روشنی حکم تحریم ربا و مستند بودن آن به قرآن و سنت و اجماع و اتفاق مسلمانان به قدری واضح است که جای هیچ بحث و گفت‌وگویی نمی‌ماند؛ به طوری که در طول تاریخ اسلام هیچ کس در آن تردید نکرده است. امام خمینی در *تحریر الوسیله* آورده‌اند:

«حرمت ربا به وسیله قرآن و سنت و اجماع مسلمانان ثابت است. بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات دین باشد» (موسوی خمینی، ۱۴۱۶: ۴۹۲/۱).

در اینکه ربا حرام است و دلایل محکم قرآنی و روایی وجود دارد، جای تردید نیست. ولی در رابطه با مصادیق ربا و شناسایی معاملات ربوی و اینکه چه کالاها یا معاملاتی ربوی هستند، اتفاق نظر کامل میان صاحب نظران مسلمان وجود ندارد. با این حال در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان ربا را بر دو قسم ربای قرضی و ربای معاملی تقسیم نمود. ربای قرضی زیاده‌ای است که در قرارداد قرض شرط شده است. «همانا زیاده با شرط، حرام است و بدون شرط اشکالی ندارد، بلکه برای قرض کننده از باب پرداخت نیکو، مستحب است که چیزی اضافه پردازد» (موسوی خمینی، ۱۴۱۶: ۲/مسئله ۱۱). همچنین در تعریف ربای معاملی نوشته‌اند: ربای معاملی عبارت است از دادوستد دو جنس مثلی در مقابل همدیگر با زیاده کمی یکی از آنها؛ مانند دادوستد یک من گندم به دو من گندم، یا یک من با یک درهم، یا با زیاده حکمی، مانند دادوستد یک من گندم نقدی با یک من گندم نسیه‌ای» (همان: ۴۹۳/۱).

پیرامون ربای معاملی بحث‌های مفصلی وجود دارد؛ از جمله اینکه: چه اجناسی

مصادیق ربای معاملی هستند؟ آیا ربا تنها در اجناس مکیل و موزون جریان دارد؟ آیا ربا تنها در دادوستد و بیع وجود دارد یا در هر عقد معاوضی و غیر معاوضی مطرح است؟ حیل‌های جایز ربای معاملی چیست؟ معنای دقیق زیاده چیست؟ ملاک و معیار تشخیص وحدت جنس چیست؟ پاسخ به سؤالات فوق به ویژه در تشخیص مسائل مستحدثه، حائز اهمیت بسیار و نیازمند تحقیق علمی و عالمانه است. در این مقاله قصد داریم ضمن تمرکز بر دو سؤال آخر، به این پرسش پاسخ دهیم که معیار تشخیص وحدت که یکی از شرایط ربای معاملی است، چیست؟

وحدت بدین معناست که ثمن و مثن باید از نظر جنس، وحدت داشته باشند. بنابراین زیادی در ثمن یا مثن در دو جنس، ربوی نیست. اکثر فقها در فتاوی خود بیان داشته‌اند که اگر دو جنس مشابه، از نظر صفات و خواص تفاوت داشته باشند، نافی اصل وحدت نیستند و همچنان نمی‌توان به تفاضل معامله نمود. امام خمینی آورده‌اند:

«تفاضل میان گندم غیر مرغوب با گندم سفید خوب و... که عرف آن‌ها را یک جنس تلقی می‌کند، جایز نیست» (همان).

سؤالی که مطرح می‌شود این است که عقل و عرف دو جنسی را که از نظر صفات و خواص با هم متفاوت هستند، دو جنس متفاوت تلقی می‌کند و در معاملات خود ارزش آن‌ها را یکسان قرار نمی‌دهد. پس چگونه است که نمی‌توان گندم غیر مرغوب را با گندم سفید خوب، به تفاضل وزن معامله کرد؟ این مقاله قصد دارد ضمن بررسی ادله و آرای فقها، ملاک تشخیص وحدت جنس را مشخص کند.

### ۱. پیشینه تحقیق

موضوع ربا از مهم‌ترین مباحث در فقه اسلامی و اقتصاد اسلامی است و اندیشمندان و فقها در طول تاریخ بدان پرداخته‌اند. فتاوایی که فقها در طول تاریخ داده‌اند، به ضرورت هر بحث اشاره می‌شود. همچنین فقهای اهل سنت نیز نظراتی در این باب ارائه داده‌اند که چون مبنای فتاوی آن‌ها در ربای معاملی با فقهای شیعه متفاوت است، لذا به ذکر آرای آنان در این تحقیق پرداخته نشده است. همچنین در فضای علمی و

دانشگاهی کشور نیز مقالات مفیدی نگاشته شده‌اند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- محمد درویش پورفا با توجه به فلسفه تحریم ربا، در شرط مکیل و موزون بودن و اتحاد در جنس در ربای معاملی خدشه وارد می‌کند و بیان می‌کند در شرایطی که برای تحقق ربای معاملی وضع شده، باید تأمل بیشتری صورت گیرد (درویش پورفا، ۱۳۸۵).

- علی‌اکبر ابوالحسینی نیز ربای معاملی را موضوع تحقیق خود قرار داده و به جمع‌آوری ادله حرمت و شرایط تحقق آن پرداخته و همین راستا از اقوال فقهای اهل تسنن و فقهای شیعی بهره جسته است. تحقیق ایشان از حیث جمع‌آوری آراء و اقوال فقها بسیار ارزشمند بوده، ولی نظریه خاصی ارائه نداده است (ابوالحسینی، ۱۳۸۶).

مقالات در باب ربای قرضی نیز بسیار است که چون از موضوع مقاله خارج است، اشاره نمی‌کنیم. نوآوری این مقاله در این است که اولاً، صرفاً قصد بررسی ربای معاملی را دارد. ثانیاً، تعریف متفاوتی از شرط وحدت در جنس در قول مشهور داشته و با بررسی ادله پیرامون این موضوع، بر اجماعی که فقها در این مسئله داشته‌اند، خدشه وارد می‌کند و نظریه جدیدی ارائه می‌دهد. در این مقاله، «هم‌ارزش بودن» دو کالا شرط وحدت شناخته می‌شود.

## ۲. ادبیات تحقیق

همان‌طور که بیان شد، هرچند در حرمت ربا اختلافی بین شیعه و سنی وجود ندارد، ولی در تعریف ربا و تعیین مصادیق معاملات ربوی بین فقها اختلافات مهمی بیان شده است. ربا مفهومی است که هم بیان لغوی دارد و هم بیان اصطلاحی و شرعی. برای روشن‌تر شدن موضوع، به طور اجمال به برخی تعاریفی که از ربا صورت گرفته، اشاره می‌شود.

### ۱-۲. تعریف لغوی ربا

ربا در لغت عرب به دو معنای «زیادی و نمو» و «بلندی و ارتفاع» به کار رفته است. در *لسان‌العرب* اصل ربا به معنای اضافی و زیادتی است که در اموال و ثروت در

هنگام زیادی و رشد به وجود می‌آید (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۳۰۴/۱۴). راغب معنای زیادی و علو و رفعت را انتخاب کرده و با استفاده از آیات قرآن چنین نتیجه‌گیری کرده که ربا افزایش سرمایه است، اما در شرع اسلام به معنای یک نوع اضافی ویژه‌ای در سرمایه است، نه مطلق افزایش (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۱۸۷). به نظر می‌رسد معنایی که راغب اصفهانی از ربا ارائه داده، بیشتر شبیه معنای اصطلاحی آن است. سایر لغویان نیز تعاریفی مشابه ارائه داده‌اند که برگشت همه آن‌ها به معنای زیادی و افزایش و رشد و نمو است.

## ۲-۲. تعریف اصطلاحی ربا

طبق تعریف برخی واژه‌شناسان، مطلق زیاده ریاست که البته راغب اصفهانی چنین بیانی را نداشت. همان طور که در کتب فقهی بیان شده است، زیاده به غیر حق ریاست و به همین دلیل فقها گفته‌اند ربا (گرفتن زیاده) دو نوع است؛ ربایی که گرفتن آن جایز است و آن هدیه به نیت ثواب می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۴۴/۱۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۱۸۵). این نوع زیاده همان ربایی است که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبِّالِرُّبُوَا فِي اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرُبُوَا عِنْدَ اللّٰهِ﴾ (روم/۳۹) و ربایی که گرفتن آن جایز نیست که در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (بقره/۲۷۸)، از آن نهی شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۷۵/۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۲۲/۲). از آنجایی که ربا به لحاظ کاربرد لفظی، در دو معنا به کار رفته است، لذا لازم است یک تعریف اصطلاحی یا شرعی نیز از ربا ارائه گردد.

در کلام فقها تعاریف مختلفی مطرح شده که به برخی موارد -با تأکید بر ربای معاملی- اشاره می‌شود. شهید ثانی در شرح لمعه بیان می‌کند:

«الربا شرعاً بيع أحد المتماثلين المقدّرين بالكيل والوزن مع الزيادة في أحدهما حقيقة أو حكماً» (عاملی جبعی، ۱۳۹۶: ۱۵۸/۱)؛ ربا عبارت از آن است که جنسی که مکیل (پیمان‌ه‌ای) یا موزون (کشیدنی) است، در مقابل همان جنس با زیادتی در یکی از آن‌ها فروخته شود. در تحقق ربا فرقی نمی‌کند که زیادتی که یک جنس بر دیگری دارد، زیادتی عینی باشد یا زیادتی حکمی.

در شرایع الاسلام آمده است:

«الربا وهو یتبث فی البیع مع وصفین الجنسیة والکیل أو الوزن. وضابطه کل شیئین یتناولهما لفظ خاص كالحنطة بمثلها والأرز بمثلها فيجوز بیع المتجانس وزناً بوزن نقداً ولا يجوز مع زیادة ولا يجوز إسلاف أحدهما فی الآخر علی الأظهر» (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۳۸/۱): ربا در بیع با دو شرط اتحاد در جنس و مکیل و موزون بودن محقق می‌شود. دو شیئی که لفظ واحدی پیرامون آن‌ها به کار می‌رود، مثل گندم یا برنج، نباید با گرفتن زیاده بر آن‌ها یا تأخیر انداختن بین پرداخت و دریافت آن‌ها، معامله شوند.

همان طور که مشخص است در کلام فقها سه شرط اساسی برای ربای معاملی ذکر شده است: ۱. اعتبار کیل و وزن، ۲. تفاضل یا زیاده، ۳. اتحاد در جنس. هرچند این سه شرط، مورد اتفاق اکثر فقهای شیعه است، اختلافاتی نیز در اقوال آن‌ها وجود دارد. در ادامه ضمن اشاره اجمالی به آن‌ها، به موضوع اصلی مقاله که بحث بر اتحاد در جنس است، پرداخته می‌شود.

## ۲-۱. شرط مکیل و موزون بودن

در مورد مکیل و موزون بودن، اکثریت قریب به اتفاق فقها بر این عقیده‌اند که ربای معاملی، فقط در اجناسی است که به وزن یا پیمانه معامله می‌شوند. لذا در آن کالاهایی که به صورت عددی مبادله می‌گردند، ربای معاملی تحقق پیدا نمی‌کند (علامه حلی، ۱۴۱۰؛ عاملی جبعی، ۱۳۹۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۹؛ نجفی، ۱۴۰۴؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۶؛ و...).

هرچند احراز قلمرو این شرط بااهمیت است و می‌تواند در مسائل مستحدثه بسیار مؤثر باشد، لکن از حوصله مقاله خارج است و بررسی فقهی آن نیازمند پژوهشی مجزاست. به همین خاطر، این مقاله نظر مشهور را پیش‌فرض بحث قرار می‌دهد و ربای معاملی را صرفاً در اجناس مکیل و موزون مورد بررسی قرار می‌دهد.

## ۲-۲. تفاضل و زیاده

در تعریف لغوی بیان شد که ربا به معنای زیاده است و این تعریف مورد اتفاق همه

فقیهان است. اما در اینکه مصداق زیاده چیست، اختلافاتی وجود دارد. امام خمینی زیاده را اعم از عینی و حکمی بیان کرده‌اند:

«... جنسی را بفروشی در مقابل همان جنس با وزن بیشتر و یا به همان وزن به ضمیمه چیز دیگر؛ مثلاً یک تن گندم را بفروشی به دو تن گندم و یا به یک تن و یک درهم. و یا به همان وزن با زیادی حکمی مثل اینکه یک من گندم را به نقد بفروشی به یک من گندم نسیه» (موسوی خمینی، ۱۴۱۶: ۵۲۶/۱).

در تعریف صاحب جوهر نیز مشابه این تعریف آمده و از واژه زیاده حقیقی به جای عینی استفاده کرده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۳۶/۲۳).

برخی فقها هر گونه زیادی را هرچند جنبه مالی نداشته باشد، ربوی دانسته‌اند؛ از جمله صاحب عروه آورده است:

«ربا عبارت است از زیادی عینی به گونه جزء یکی از عوضین و یا غیر عوضین، و یا زیادی عینی به گونه اشتراط و یا زیادی غیر عینی از چیزهایی که حیث مالی دارد (مانند سکونت در خانه)؛ و یا عملی که حیث مالی دارد (مثل دوختن لباس)؛ و یا عملی که در آن صفتی است (مانند شرط مصالحه و یا بیع محاباتی)؛ و یا شرط خیار و شرط تسلیم مبیع در مکان خاص و یا شرطی که در آن غرض عقلایی باشد (مثل شرط جاروب کردن مسجد و یا بخشش چیزی به فقیر و یا خواندن قرآن و یا انجام نماز در اول وقت و یا مواظبت بر نماز شب و یا انجام واجبات شرعی و امثال ذلک)» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴: ۲/۲).

هرچند این شرط و تشخیص نوع زیاده در تشخیص ربا بسیار اهمیت دارد، ولی از آنجایی که موضوع مقاله نیست، لذا به همین قدر کفایت می‌کنیم و مقاله را با این پیش فرض ادامه می‌دهیم که «هر نوع زیاده‌ای که منفعت عقلایی داشته باشد، مصداق

۱. در این مقاله در صدد نقد و بررسی تمام جزئیات کلام فقها نیستیم، اما اشاره می‌کنیم که از باب «کُلّ قرض یجزّ نفعاً فهو رباً»؛ هر قرضی که نفعی را به سوی خود بکشاند، رباست. اما اگر قرضی باشد که نفعی را به جانب مستقرض بکشاند، آیا باز هم ربا خواهد بود؟ مثلاً اگر کسی یک میلیون تومان به کسی قرض بدهد و با او شرط کند که باید نمازهای واجبت را بخواند، به نظر نمی‌رسد مصداق زیادی باشد؛ زیرا قرض‌دهنده آنچه را پس خواهد گرفت، همان یک میلیون تومان است و شرط به نفع قرض‌گیرنده است، نه به نفع قرض‌دهنده. البته ثواب اجرای این شرط به قرض‌گیرنده هم می‌رسد؛ همان طور که ثواب قرض‌الحسنه به او می‌رسد.

ریاست». مقاله حاضر به دنبال تبیین این مسئله است که عوضین در یک معامله باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند که هم جنس و مثل هم تلقی شوند. اگر این مسئله به خوبی تبیین شود، آنگاه می‌توان زیاده بر عوضین را نیز به خوبی تشخیص داد و پیرامون آن حکم کرد.

### ۲-۲-۳. شرط هم جنس بودن

یکی از شروطی که در تعریف همه فقها آمده و بحث اصلی مقاله نیز می‌باشد، شرط هم «جنس» بودن است. در بیان فقها صرف اینکه دو کالا از لحاظ جنس شبیه هم باشند، زیاده بر آن را ربا می‌دانند.

فقها علاوه بر واژه «جنس» از «مثل» هم استفاده کرده‌اند. عاملی در تعریف ربا می‌گوید: «أته (الربا) شرعاً بیع أحد المتماثلین بالآخر مع شرائط آخر» (حسینی عاملی، بی تا: ۵۰۲/۴). اما به نظر می‌رسد که این تفاوت واژه معنای خاصی ایجاد نمی‌کند؛ چرا که عاملی در ادامه یکی از دو شرط اصلی ربا را «اتفاق العوضین فی الجنس» می‌داند.

اما سؤال اساسی این است که منظور از اتحاد جنس چیست؟ صاحب جواهر اشاره کرده که منظور از «جنس» معنای آن در علم منطق نیست، بلکه منظور یک لفظ است که با بحث «نوع» در علم منطق مطابقت دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۳۷/۲۳). حال که منظور از اتحاد در جنس در کلام فقها مشخص شد، سؤال بعدی این است که این اتحاد در جنس را چگونه باید تشخیص داد؟ فقها مطرح کرده‌اند که همیشه تشخیص هم جنس بودن کار آسانی نیست و در بعضی مواقع در اینکه بتوان دو چیز را به لحاظ ذات و جنس آن‌ها با هم مقایسه کرد، سختی و دشواری وجود دارد. لذا صاحب جواهر یک ضابطه برای آن مطرح کرده و می‌گوید:

«اشیایی که لفظ خاصی مثل گندم یا برنج بر آن‌ها حمل می‌شود، همین اتفاق لفظ خاص بر آن‌ها، حاکی از حقیقت نوعیه بین کلیه اقسام آن می‌شود» (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۳۷/۲۳).

پس ضابطه مزبور چنین می‌گوید که وقتی یک لفظ خاص مثل خرما برای چند



شیء به کار رفت، همه آنها اتحاد در جنس دارند.<sup>۱</sup>

امام خمینی در بیان خود، تشخیص عرف جامعه را در هم جنس بودن شرط دانسته و نوشته‌اند:

«تشخیص اتحاد جنس یک امر عرفی است. هر چیزی که از نظر عرف، مصداق گندم، برنج، خرما یا انگور باشد، نمی‌توان در معامله دو جنس مشابه زیاده‌ای اخذ کرد» (موسوی خمینی، ۱۳۱۶: ۴۹۳/۱).

از مجموع مباحثی که مطرح شد، می‌توان چنین برداشت کرد که اگر دو چیز لفظاً متحد باشند، مثل اینکه هر دو برنج باشند، نمی‌توان در معامله و بیع زیادتر از آن را طلب کرد. فقها با چنین استدلالی مصادیق مختلفی را که مصداق ربای معاملی می‌شود، نام برده‌اند. در ادامه به برخی فتاوای مراجع در تشریح این حکم اشاره می‌شود.

امام خمینی می‌گویند:

«هر چیزی که عرف آن را یک جنس بدانند، جائز نیست مقداری از آن را در مقابل بیش از آن مقدار بفروشند، هر چند که از نظر صفات و خواص، مختلف باشند؛ مثلاً گندم فروشنده، معمولی یا سرخ‌رنگ و گندم خریدار، ممتاز و سفیدرنگ باشد، برنج فروشنده، عنبر ممتاز و برنج خریدار، چمپای پست باشد، خرما یکی زاهدی و پست و از دیگری خستای و ممتاز، و همچنین هر کالای دیگری از فروشنده ممتاز و از خریدار پست باشد، چون به حسب نظر عرف جنس واحد است» (همان).

اکثر فقهای شیعه و اهل سنت معتقدند که در باب ربا هر فرعی از نظر ربوی بودن، تابع اصل خود است، مشروط بر اینکه فرع آن از مکیل و موزون بودن خارج نشده باشد (ابوالحسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۶). صاحب جواهر می‌گوید: «قاعدة إلحاق كل فرع بأصله» از

۱. آقاضیا عراقی می‌گوید: مشتقاتی که از یک چیز گرفته می‌شوند، در اسم مختلف‌اند، مانند ماست، پنیر و کره که همگی از شیر گرفته می‌شوند، اما دارای یک حقیقت هستند. از طرف دیگر، چیزهایی چون گوشت گوسفند و گاو و یا شیر گوسفند و گاو با اینکه از حقایق متعدد گرفته شده‌اند، ولی در اسم مشترک‌اند. بنابراین محققانه این است که گفته شود: مقصود از اتحاد در جنس این است که به یک حقیقت واحد منتهی شوند (بی تا: ۲۴۸/۵). البته این تعبیر نیز صحیح نمی‌باشد و با فهم عرف منطبق نیست. عرف هرگز شیر و کره و پنیر را یک جنس نمی‌داند و نیز طلای ۲۴ عیار را هم جنس ۱۰ عیار و یا خاک طلا نمی‌داند و نیز بنزین را هم جنس نفت خام ندانسته و برای آنها قیمت واحد قرار نمی‌دهد.

گذشته بین فقها مطرح بوده و گرفتن تفاضل در تمام چیزهایی که جنس واحد دارند، حرام است، اگرچه شیء جدید اسم خاصی داشته باشد؛ مانند گندم به آرد، و شیر خرمبا با خرما و امثال آن، که در همه این موارد در باب ربا فرع به اصل خود ملحق می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۷/۲۳).

همچنین در باب ربای معاملی، بحثی مفصل بین فقها وجود دارد که آیا گندم و جو از یک جنس هستند؟ در این بحث اکثر فقها قائل به این هستند که گندم و جو از یک جنس هستند و در این مسئله ادعای اجماع شده است (حسینی عاملی، بی‌تا: ۵۱۱/۴). البته هر چند خلاف اجماع نیز نظراتی وجود دارد و قائل به اختلاف جنسیت گندم و جو هستند (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۱: ۲۵۵/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۸۶/۶)، ولی نظر مشهور این است که این دو از یک جنس هستند.

به طور خلاصه مشهور فقهای شیعه، اتحاد در جنس را شرط ربای معاملی می‌دانند و در فتاوی خود دو جنسی که لفظاً یک عنوان دارند یا اینکه اصل آن‌ها یکی است و همچنین گندم و جو را متحد در جنس می‌دانند. به طور خلاصه مصادیقی که فقها آن‌ها را در مسئله ربا متحد در جنس می‌دانند، به شرح زیر است:

- گندم و جو.
- هر چیزی با اصل خودش؛ مثل کنجد و ارده، یا پنیر و شیر، یا شیر و انگور.
- دو فرع از یک اصل؛ مثل پنیر و کشک.
- گوشت و شیر و روغن یک حیوان. با اختلاف حیوان اتحاد در جنس از بین می‌رود.
- تفاوت داشتن عوضین به خوبی و بدی جنس ربطی ندارد.

### ۳. تبیین محل نزاع و بیان حکم عقل

در قسمت قبل، مصادیقی از ربای معاملی که بین مشهور فقها مورد اتفاق است، ذکر شد. همچنین بیان شد که معیار تشخیص اتحاد جنس، عرف جامعه است؛ بدین معنا که اگر عرف بر دو جنس، لفظی واحد را استعمال کند، جنس آن‌ها یکی خواهد بود. اما مسئله این است که عرف بین دو کالای هم‌جنس ولی با صفات متفاوت، تفاوت قائل می‌شود و در معاملات ارزش یکسانی برای آن‌ها قائل نیست. در واقع به حکم

عقل و عرف، اگر فردی برنج درجه ۱ را بفروشد و در مقابل برنج درجه ۳ را به همان میزان تحویل بگیرد، این عمل نزد عقلا ناپسند شمرده می‌شود و در اینجا ظلمی رخ می‌دهد که عقلا آن را تقبیح می‌کنند و انجام‌دهنده آن را مورد سرزنش قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد که عقلا در اینجا نه تنها حکم به جواز مازاد می‌کنند که آن را ضروری هم می‌دانند؛ زیرا آثار مهم و سودمندی دارد و این عمل در واقع تشویق افراد به تلاش برای تولید کالای بهتر و کوشش جهت افضلیت بخشیدن به محصولات خود است. اگر میزان زائد گرفته نشود و هر کالای مرغوبی در مبادله کالا به کالا با غیر مرغوب خود بدون اخذ مازاد در مقابل مرغوب بودن کالا معاوضه شود، انگیزه‌ای برای تلاش جامعه و افراد برای اصلاح بذر و تولیدات خود باقی نمی‌ماند و نوعی بی‌عدالتی و ظلم است؛ زیرا ممکن است تولید کالای برتر، زحمات و تلاش و مایه بیشتری را مطالبه کند و با فرض آنکه مبادله در جامعه هم به نقدین نباشد و منحصر به تولید کالا به کالا باشد، صاحب کالای برتر مجبور است کالای خود را بدون اخذ مازاد بدهد، در حالی که زحمت بیشتری را متحمل شده است.

تا کنون به نظر می‌رسد به حکم عقل که از اصلی‌ترین ادله احکام است، صرف هم‌جنس بودن دو شیء، باعث نهی از تفاضل نمی‌شود، بلکه باید به جای هم‌جنس بودن از لفظ «هم‌ارزش» بودن استفاده کرد. در بحث لغوی بیان شد که ربا به معنای زیاده است؛ یعنی اگر در معامله‌ای عوضین در تساوی باشند، ربا محقق نمی‌شود. حال آیا تنها هم‌جنس بودن دو کالا به معنای تساوی آنهاست یا اینکه هم‌ارزش بودن آنها معنای دقیقی از تساوی است و ملاک هم‌ارزش بودن را عرف جامعه تشخیص می‌دهد. بر این اساس اگر یک کیلو شیر مشخص با نیم کیلو پنیر مشخص، ارزش برابر داشته باشند، باید طبق تعریف ربا، یک کیلو شیر با نیم کیلو پنیر معامله شود و اگر یک کیلو شیر با یک کیلو پنیر معامله شد، چون اخذ زیادی محقق شده، این معامله مصداق ربا می‌باشد.

### ۱-۳. آیات قرآن و تبیین محل نزاع

قرآن کریم یکی دیگر از ادله احکام است که به نظر می‌رسد محتوای آیات به

ادعای مقاله حاضر نزدیک‌تر است. قرآن کریم در خصوص مصداق معامله ربوی هیچ آیه‌ای نازل نکرده است. به طور کلی آیات قرآن، از ربا نهی و به انجام معاملات دیگر مثل بیع و قرض الحسنه تشویق کرده است: ﴿إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ (بقره/ ۲۷۵)، ﴿يَحَىٰ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيهِ الصَّدَقَاتِ﴾ (بقره/ ۲۷۶) و ﴿فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ﴾ (روم/ ۳۹).

با وجود اینکه قرآن کریم مصداق مشخصی را برای ربا مشخص نکرده، با این حال توصیفاتی را برای ربا و آثار آن و برخی حکمت‌های منع آن بیان نموده است. نهی از اکل مال به باطل: ﴿وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ﴾ (نساء/ ۱۶۱) و نهی از ظلم: ﴿...لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ (بقره/ ۲۷۸-۲۷۹)، از موارد آشکاری است که در قرآن ذکر شده است. گفته شد که به حکم عقل در صورتی که دو کالای هم‌جنس با ویژگی‌ها و صفات متفاوت وجود داشته باشند، بین آن‌ها اختلاف ارزش وجود دارد و اگر بخواهیم این اختلاف ارزش را در معامله نادیده بگیریم، هم مصداق اکل مال به باطل شده و هم به تبع آن ظلم رخ داده است و با آیات قرآن، مقابله و ناسازگاری خواهد داشت.

فردی را در نظر بگیرید که با زحمت بسیار شیر گوسفند را به روغن حیوانی تبدیل می‌کند. آیا جایز است که به او گفته شود حق نداری در معامله شیر با روغن، نسبت به روغن خود، سهم بیشتری از روغن طلب کنی و این در حالی باشد که ارزش هر کیلو روغن، ده برابر یک کیلو شیر باشد؟ آیا دعوت به معامله شیر و روغن به مساوات، مصداق ظلم نیست؟ به نظر می‌رسد که هم عرف مردم و هم عقل در قضاوت این معامله، یکسان عمل می‌کنند و چنین معامله‌ای را مصداق ظلم می‌دانند. حال آیا می‌توان باور کرد که خداوند خود به انجام معامله‌ای دستور داده که مصداق ظلم است. نتیجه اینکه طبق آیات قرآن کریم، اگر معیار هم «ارزش» بودن دو کالا را بپذیریم، در ضابطه هم «جنس» بودن هم ظلم رخ داده است و هم مصداق بارز ربای معاملی اتفاق افتاده است.

### ۲-۳. علت تحریم ربای معاملی

از اساسی‌ترین بحث‌های مربوط به ربا، تجزیه و تحلیل علت حرمت آن است. علت

تام ربا، مشابه بسیاری از احکام خداوند مشخص نیست و صرفاً برخی از حکمت‌های تحریم آن در روایات اشاره شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد:

- امام باقر علیه السلام:

«خدا ربا را از آن جهت حرام کرد که نیکوکاری از میان نرود» (حکیمی، ۱۳۹۱: ۶۱۸/۵).

- امام صادق علیه السلام:

- «خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به کسب و کار روی آورند و به خرید و فروش پردازند» (همان: ۶۱۰/۵).

- «خدای بزرگ ربا را از آن جهت حرام کرد تا شما از پرداختن به کارهای نیک باز نمانید» (همان: ۶۱۹/۵).

- «اگر ربا حلال باشد، مردم تولید و تجارت [اصولی و درست] را رها می‌کنند و نیازهای واقعی خویش و جامعه را از یاد می‌برند» (همان: ۴۰۴/۵).

- امام رضا علیه السلام:

«علت تحریم ربا... برافتادن کار خیر... و ترک قرض دادن به نیازمندان است» (همان: ۶۱۰/۵).

- «علت حرام بودن ربا... این است که مایه تباهی اموال می‌شود... خرید و فروش ربوی در هر حال به زیان خریدار و فروشنده خواهد بود» (همان).

همچون روایات ذکر شده، روایات متعددی وجود دارند که حکمت تحریم ربا را ترک تجارت، ترک افعال نیک، ترک قرض الحسنه، تباهی اموال و... معرفی می‌کنند. حال سؤال اساسی این پژوهش این است که اگر شرط هم‌جنس بودن را طبق تعریف فقها بپذیریم، آیا از همه حکمت‌های ذکر شده در روایات فاصله می‌گیریم؟ یعنی اگر در معامله برنج درجه ۱ با درجه ۲، زیاده‌ای گرفته شود، در این صورت مال خود را تباه ساخته‌ایم؟ یا شیوع این مسئله باعث ترک تجارت و افعال نیک می‌شود؟ حقیقت این است که با کمی تفکر متوجه می‌شویم که اتفاقاً چنین اقدامی باعث می‌شود همه حکمت‌هایی که برای حرمت ربا در روایات ذکر شده، محقق شود.

علاوه بر روایات فوق که به دلایل حرمت ربا اشاره می‌کنند، شهید مطهری نیز

نظریه‌ای در باب ربای معاملی بیان کرده‌اند که بسیار مورد توجه قرار گرفته است:

«ربای معاملی حریمی است برای ربای قرضی؛ یعنی این معامله به این دلیل حرام شده که جلو ربای قرضی گرفته شود؛ یعنی اگر ربای معاملی حرام نباشد و فقط ربای قرضی حرام باشد، همین حیل‌های ربایی که الآن انجام می‌دهند، رواج می‌یابد؛ مثلاً من به جای اینکه بگویم صد من گندم به شما قرض می‌دهم که سر سال، ۱۵۰ من گندم بگیرم، می‌گویم: صد من گندم به شما می‌فروشم، در مقابل ۱۵۰ من گندم. به نظر من این طور آمد که حکمت حرمت ربای معاملی با اینکه از باب قرض نیست، این است که قرض به این صورت درنیاید؛ همین کاری که اتفاقاً معمول شده و به شکل‌های مختلفی به صورت حیل ربا درآمده است» (مطهری، ۱۳۷۲: ۷۷).

طبق قول شهید مطهری، اگر شرط هم‌جنس بودن را صرفاً به استعمال لفظ مشترک بدانیم، خود حریمی بر ربای قرضی خواهد شد؛ مثلاً فردی می‌گوید: «۱۰ کیلو برنج درجه ۳ را می‌فروشم به شرط اینکه ۳ ماه آینده، ۱۰ کیلو برنج درجه ۱ به من بفروشی». مشخص است که مابه‌التفاوت قیمت برنج درجه ۳ و درجه ۱ مصداق زیاده و ربا خواهد بود. همچنین شهید مطهری معتقد است که علت اصلی حرمت ربا، ظلم محقق‌شده در آن است. اگر مجموع حکمت‌هایی را که بدان اشاره نمودیم، مدّ نظر قرار دهیم، متوجه می‌شویم تبیینی که از اتحاد در جنس در فتاوی‌ای فقها شده است، تبیین کاملی نیست.

### ۳-۳. چرا فقها به جای توجه به ارزش کالا به هم‌جنس بودن توجه کرده‌اند؟

اما سؤال اساسی دیگر این است فقها دو دلیل عمده برای ادعای خود وضع کرده‌اند: یکی اجماع و دیگری روایات. در واقع فقها چنین بیان کرده‌اند که در خصوص ربای معاملی، دلیل خاص وجود دارد، لذا حکم حرمت معامله دو کالای هم‌جنس، تبعیدی است. فقها ضمن اشاره به روایات متعددی که در این زمینه وارد شده است، چنین برداشت کرده‌اند که شرط ربای معاملی، صرفاً هم‌جنس بودن آن است. حال در مقام استدلال اگر بتوانیم ادله فقها را مخدوش نماییم، طبق آیه ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾ (بقره/ ۲۷۵)، معامله دو جنس هم‌ارزش مصداق ربای معاملی نخواهد بود و لذا از عنوان عام

بیع تخصیص نمی‌خورد و باید به حکم عام که صحت چنین معاملاتی است، عمل کرد. همچنین اگر بتوانیم به این نتیجه برسیم که آنچه در روایات از آن نهی شده، بیع دو کالای هم‌ارزش همراه با زیاده است و نه فقط دو کالای هم‌وزن (کیل) بدون توجه به ارزش آن‌ها، لذا خلاف آن مصداق ربای معاملی خواهد بود و اگر دو کالا هم‌جنس بودند ولی ارزش برابر نداشتند، اگر به مساوات (کیل یا وزن) با هم معامله شدند، معامله حرام و ربوی خواهد بود.

#### ۴. ادله

##### ۱-۴. اجماع

اتحاد در جنسیت شرط می‌باشد و صاحب جواهر ادعای اجماع و عدم خلاف بین مسلمانان را مطرح کرده است (نجفی اصفهانی، ۱۴۰۰: ۳۳۸/۲۳). صاحب *مفتاح الکرامه* نیز شرط جنسیت و شرط مکیل و موزون بودن را اجماعی می‌داند و به اجماع سایر فقها پیرامون این موضوع اشاره می‌کند (عاملی، بی تا: ۵۰۴/۴).

اکثر فقهای که بحث اجماع را مطرح کرده‌اند، به روایات این باب نیز اشاره داشته‌اند. وجود روایات متعدد، احتمال مدرکی بودن این اجماع را تقویت می‌کند. از آنجایی که اجماع محتمل‌المدرک حجیت و کاشفیت ندارد، لذا می‌توان در این دلیل مناقشه کرد و آن را کنار گذاشت.

##### ۲-۴. روایات

به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیلی که فقها در ربای معاملی قائل به شرط هم‌جنس بودن هستند، روایات متعددی است که در این باب ذکر شده‌اند. از آنجایی که اکثر این روایات در فتاوی‌ای فقها مورد استفاده قرار گرفته‌اند، لذا به بررسی سندی این روایات نخواهیم پرداخت و فرض بر این است که حتی در صورت وجود ضعف سندی، عمل فقها به این روایات، ضعف سند را پوشش می‌دهد و قابل استناد هستند. در ادامه به برخی از این روایات که معروف‌ترین آن‌ها نیز هستند، اشاره می‌شود و به تحلیل و بررسی آن‌ها می‌پردازیم. سایر روایاتی که در این باب وجود دارد، به لحاظ معنایی مشابه

روایاتی است که مورد بررسی قرار گرفته است.

در بررسی روایات به این نکته توجه می‌کنیم که آیا معیار تساوی صرفاً هم‌جنس بودن و هم‌وزن بودن آنهاست یا منظور هم‌ارزش بودن دو کالا است. اگر روایات هم‌جنس بودن و هم‌وزن بودن را تأیید کند، فتوای فقها صحیح است و این امر کاملاً تعبدی می‌شود. ولی اگر روایات، هم‌ارزش بودن دو کالای هم‌جنس را مدّ نظر قرار دهد و یا صرف هم‌وزنی را مطرح نکند، مشخص می‌شود که فتوای فقها ناتمام است و در این خصوص باید تأمل بیشتری صورت پذیرد.

#### ۴-۲-۱. روایت اول و دوم

«عن أبي عبد الله عليه السلام - في حديث - أنه قال: يا عمر قد أحلّ الله البيع وحرم الربا، بع واربح ولا تربه، قلت: وما الربا؟ قال: دراهم بدراهم مثلين بمثل، وحنطة بحنطة مثلين بمثل» (حزّ عاملی، ۱۴۱۶: ۱۳۳/۱۸)؛ خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است. ای عمر! بیع انجام بده و سود به دست بیاور، ولی ربا مستان. پرسیدم ربا چیست؟ فرمود: درهم در مقابل دو برابر آن و گندم در مقابل دو برابر آن.

بررسی روایت: از آنجا که درهم‌ها همواره عیار یکسان داشته و در مقایسه با هم ارزش یکسانی دارند، لذا می‌توان معیار هم‌ارزش بودن دو کالا را از این روایت برداشت کرد. همچنین وقتی درهم و گندم در کنار هم به کار می‌روند، می‌توان چنین برداشت کرد که در گندم هم، هم‌ارزش بودن ملاک است و مقصود روایت می‌تواند معامله دو نوع گندمی باشد که کیفیت یکسانی دارند. همچنین بعید نیست که این روایت در باب نهی از ربای قرضی وارد شده باشد و نه ربای معاملی. مشابه این روایت، روایت «قوله أيضاً في صحيح الحلبي: الفضة بالفضة مثلاً بمثل ليس فيها زيادة ولا نقصان الزائد والمستزيد في النار» (همان: ۱۶۵/۱۸) نیز وجود دارد که اگر فضه به معنای درهم باشد، از این باب گرفتن زیاده اشکال دارد که همواره ارزش درهم‌ها برابر بوده است و اگر به معنای زیورآلات باشد، باز غالباً زیورآلات یک شهر از نظر عیار یکسان‌اند و در آخر روایت با بیان «ليس فيها زيادة ولا نقصان»، تفاوت عیار و ارزش را نفی می‌کند؛ زیرا تفاوت عیار و ارزش عرفاً نوعی زیاده و نقصان است.



## ۲-۲-۴. روایت سوم

موثقه منصور بن حازم:

«عن أبي عبد الله عليه السلام قال في حديث: كل شيء يكال أو يوزن فلا يصلح مثلين بمثل إذا كان من جنس واحد» (همان: ۴۴۸/۱۲): امام صادق عليه السلام فرمود: هر چیزی که به صورت پیمانه‌ای یا وزنی می‌شود، اگر عوضین از یک جنس باشند، صحیح نیست که دو تا در مقابل یکی معامله شود.

بررسی روایت: در این روایت، شرط مکیل و موزون بودن مطرح شده که چون موضوع مقاله نیست، از آن می‌گذریم. همچنین روایت دو برابر گرفتن را صحیح نمی‌داند. اگر اصطلاح «مثلین بمثل» صرفاً در مقام بیان تفاضل باشد، می‌توان چنین استدلال کرد که این روایت، هرچند شرط هم‌جنس بودن را مطرح کرده است، ولی ملاک هم‌جنس بودن را مطرح نکرده است؛ مثلاً عرف ماست و کره را دو جنس متفاوت می‌داند یا اینکه بین گندم و جو تفاوت قائل می‌شود. لذا می‌توان مفهوم جنس واحد را از همه نظرات حتی کیفیت و قیمت هم توسعه داد و «مثلین بمثل» را در مورد دو شیء از هر جهت مساوی دانست که منع شده و یا دو شیء که با توجه به کیفیت آن‌ها یکی دو برابر دیگری ارزش داشته باشد.

## ۲-۲-۳. روایت چهارم

موثقه سماعه:

«قال: سألته عن الطعام والتمر والزبيب، فقال: لا يصلح شيء منه اثنان بواحد إلا أن يصرفه نوعاً إلى آخر فإذا صرفته فلا بأس اثنین بواحد و أكثر» (همان: ۴۴۳/۱۲): سماعه گفت: از امام عليه السلام درباره معامله طعام، خرما و کشمش سؤال کردم، فرمودند: در هیچ یک از این‌ها معامله یکی با دو تا جایز نیست؛ مگر اینکه یک نوع را با نوع دیگر معاوضه کند. در این صورت، مبادله یکی با دو تا و بیشتر جایز است.

بررسی روایت: اولاً احتمال اینکه مقصود این روایت ربای قرضی باشد، وجود دارد. اما در صورتی هم که موضوع ربای معاملی باشد، مفاد روایت به دو جنس مساوی اشاره می‌کند و می‌تواند منظور دو جنس از لحاظ ویژگی‌های یکسان باشد؛ یعنی اگر خرمایی با خرمای دیگر معامله شد که از لحاظ کیفیت مشابه هم بودند، نمی‌توان

زیاده‌ای بر آن گرفت. در واقع می‌توان چنین گفت که فرض شخص سؤال‌کننده و امام علیه‌السلام این بوده که پیرامون دو کالایی صحبت می‌کنند که هم‌جنس و دارای ویژگی‌های یکسان هستند.

#### ۴-۲-۴. روایت پنجم

«کان علی علیه‌السلام یکره أن یستبدل وسقاً من تمر المدینة بوسقین من تمر خیبر، ولم یکن علی علیه‌السلام یکره الحلال» (همان: ۱۵۱/۱۸)؛ علی علیه‌السلام اکراه داشت از اینکه یک وسق از خرماي مدینه را با دو وسق از خرماي خیبر معاوضه کند، در حالی که آن حضرت از یک امر حلال کراهت نمی‌ورزید.

بررسی روایت: اولاً ظاهر این روایت اشاره به یک امر مکروه دارد؛ هرچند ممکن است با استناد به آخر روایت، دلیل بر حرمت باشد. در این صورت چند نکته وجود دارد: اول اینکه ممکن است این روایت دلیل حرمت را غرری بودن معرفی کرده است؛ یعنی چه‌بسا اگر هر دو نوع خرما با اوصاف خود دقیقاً مشخص بودند، امکان معامله به تفاضل وجود داشت. ثانیاً این روایت کیفیت و ارزش معاملاتی دو نوع خرما را بیان نکرده است. چه‌بسا این دو نوع خرما دارای یک کیفیت بوده‌اند و به همین خاطر امکان تفاضل وجود نداشته است یا اینکه تفاضل آن‌ها به حدی نبوده که یک پیمانانه از خرماي مدینه معادل دو پیمانانه از خرماي خیبر باشد و باید به گونه‌ای دیگر پیمانانه می‌شده است.

#### ۴-۲-۵. روایت ششم

محمد بن مسلم از امام صادق علیه‌السلام چنین روایت کرده است: «إذا اختلف الشیئان فلا بأس مثلین بمثل یداً بید» (همان: ۱۴۱/۱۸)؛ هنگامی که دو چیز با هم فرق داشته باشند، اشکال ندارد که یکی دو برابر دیگری دست به دست (معامله) شود.

بررسی روایت: این روایت به خوبی بیان می‌کند که اگر دو چیز اختلاف داشته باشند، می‌توانند با تفاضل معامله شوند. از آنجایی که عرف بین دو کالای یک جنس ولی با صفات مختلف، تفاوت قائل می‌شود و آن‌ها را مختلف می‌داند، لذا می‌توان شرط تحقق ربای معاملی را هم‌ارزش بودن دانست. همچنین اگر «یداً به ید» را به معنای

نقدی معنا کنیم، آنگاه روایت با ربای قرضی هم تناسب خواهد داشت و از استدلال به روایت برای ربای معاملی صرف نظر می شود.

#### ۶-۲-۴. روایت هفتم

«وسأل محمد أبا جعفر عليه السلام عن الرجل يدفع إلى الطحان الطعام فيقاطعه على أن يعطى صاحبه لكل عشرة أرطال اثني عشر رطلاً دقيقاً فقال: لا. قلت: الرجل يدفع السمسم إلى العصار ويضمن لكل صاع أرطالاً مسماً، قال: لا» (همان: ۱۴۱/۱۸)؛ شخصی از امام باقر عليه السلام پرسید: مردی به آسیابانی طعامی می دهد و بنا می گذارند که به ازای هر ۱۰ رطلی که می دهد، ۱۲ رطل آرد تحویل گیرد. امام پاسخ دادند که این معامله صحیح نیست. ادامه داد که آن مرد به اندازه یک صاع کنجد می دهد و آسیابان ضمانت می کند که چند رطل مشخص، روغن کنجد بپردازد. امام فرمودند که این معامله نیز صحیح نیست.

بررسی روایت: ظاهر روایت این است که زمان در معامله نقش جدی ایفا می کند و بین زمان تحویل دادن کالا و تحویل گرفتن، مدت زمانی فاصله وجود دارد که عبارت «یضمن» نیز به همین امر دلالت دارد. به همین خاطر بعید نیست که حرمت این معامله به خاطر حرمت ربای قرضی باشد و در واقع این معامله تحت عنوان ربای قرضی که مدت دار است، قرار می گیرد؛ وگرنه معنا ندارد آسیابان ده رطل گندم بگیرد و علاوه بر خرد کردن آن، دوازده رطل را برگرداند. این عقلایی نیست و هرگز مورد سؤال قرار نمی گیرد، مگر آنکه کیفیت گندم و آرد متفاوت باشد که در آن صورت نهی روایت به خاطر غرر است، نه بحث تأکید بر وزن و ربای معاملی.

#### ۷-۲-۴. روایت هشتم و نهم

صحیح محمد بن مسلم:

«سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الثوبين الرديين بالثوب المرتفع، والبعير بالبعيرين والدابة بالدابتين؟ فقال: كره ذلك على عليه السلام فنحن نكرهه، إلا أن يختلف الصنفان» (همان: ۱۵۴/۱۸)؛ از امام صادق عليه السلام درباره معامله دو لباس ارزان قیمت در مقابل یک لباس فاخر پرسیدم. فرمودند: علی عليه السلام آن را ناپسند می شمرد، ما نیز ناپسند می دانیم، مگر اینکه از دو صنف مختلف باشند.

### صحیحہ ابن مسکان:

«عاوضنی بفرسی و فرسك و ازيدك؟ قال: فلا يصلح، ولكن يقول اعطني فرسك بكذا وكذا واعطيك فرسی بكذا وكذا» (طباطبایی بروجردی، ۱۳۸۶: ۴۵۸/۲۳)؛ [از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال شد که به دیگری می‌گوید: [اسب خود را با اسب من معاوضه کن، به تو زیادی می‌دهم. امام علیه السلام فرمودند: این کار درست نیست، بلکه بگوید: اسبت را به فلان مبلغ به من بفروش و من اسبم را به فلان مبلغ به تو می‌فروشم.

بررسی روایات: اولاً دو روایت در مورد معدودات است و با قول مشهور سازگار نیست؛ لذا باید در قول مشهور تردید کرد. ثانیاً هر دو روایت می‌تواند به همان بحث غرر و جهالت اشاره داشته باشد؛ زیرا بعیر و دابه و... باید توسط کارشناس قیمت گذاری شود و همیشه یکی به دو تا تساوی ارزشی را به دنبال ندارد. همچنین چون با سایر روایات مشهور در تعارض است، برخی این دو روایت را حمل بر کراهت کرده‌اند و نه حرمت.

از مجموع روایات فوق به این نتیجه رسیدیم که از هیچ روایتی نمی‌توان چنین برداشت کرد که شرط دو کالا این است که «صرفاً یک جنس داشته باشند و وجود صفات خاص، آن‌ها را به دو جنس متفاوت تبدیل نمی‌کند». در روایات مصادیق متعددی ذکر شده‌اند که گویا پیش فرض روایت سؤال کننده و امام علیه السلام این بوده که وقتی دو کالا با هم معامله می‌شوند، دارای ویژگی‌ها و صفات مشترک هستند یا به عبارت دیگر دارای ارزش یکسانی هستند و همین امر، امکان گرفتن زیاده در دو کالای هم‌ارزش را نمی‌دهد.

تقریباً در همه روایات این باب، از واژه «مثلاً بمثل» استفاده شده است. آیا از این واژه، اتحاد در جنس فهمیده می‌شود؟ وقتی می‌گوییم دو کالا مثل هم هستند، یعنی صرفاً یک جنس هستند؟ برای پاسخ به این سؤال می‌توان از اقوال فقها در تعریف مال مثلی و قیمی استفاده کرد. در تعریف مال مثلی آورده‌اند:

«مالی است که برای آن مماثل وجود دارد و اوصاف آن قابل تشخیص و تعیین است» (حسینی عاملی، بی تا: ۴۶/۵).

اگر مال مثلی قرض داده شود، مثل آن به عهده قرض گیرنده می آید و بایستی حین قرض، اوصاف و خصوصیات آن که در قیمت و رغبت مردم دخالت دارد، مشخص شود؛ مثلاً گندم، جو، حبوبات مثلی هستند و اصناف مختلفی دارند و با مشخص ساختن نوع و صنف آن‌ها مشخص می‌شوند (همان: ۴۷-۴۶/۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۲/۲۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۶: ۶۲۵/۱). لذا خصوصیات و ویژگی‌های یک جنس در مشخص شدن مثل آن حائز اهمیت است. پس تعبیری که در روایات از «مثلاً بمثل» شده است، شامل در نظر گرفتن ویژگی‌ها و خصوصیات خاص هر کالا نیز می‌شود.

ادعای مقاله، با دو روایتی که در ادامه می‌آید، تکمیل می‌شود. در این روایات نقل شده که هنگام معامله گندم با جو، حق گرفتن زیاده وجود ندارد. اگر منطق قول مشهور فقها را در این مسئله پیش بگیریم، گندم با جو چون از یک جنس نیستند، لذا می‌توانند به تفاضل معامله شوند. ولی روایت به صراحت بیان می‌کند که گندم و جو نمی‌توانند با تفاضل معامله شوند. بسیاری از فقهای بزرگ شیعه در برخورد با این روایات، اتحاد در جنس گندم و جو را تعبدی دانسته و حتی اتحاد در جنس را صرفاً در باب ربا مطرح کرده و در سایر مسائل مثل تعیین حد نصاب گندم و جو در بحث زکات، این دو را کاملاً از هم تفکیک کرده‌اند (عاملی جبعی، ۱۳۹۶: ۳۳۱/۳). البته فقهای نیز هستند که به طور کل، اتحاد در جنس گندم و جو را قبول ندارند و روایات این باب را در اتحاد گندم و جو کافی نمی‌دانند. ابن ادریس حلی (۱۴۱۱: ۲/۲۵۵) و ابن جنید اسکافی و ابن عقیل (علامه حلی، ۱۴۱۰: ۸۶/۶) بر خلاف مشهور فقها قائل به دو جنس بودن گندم و جو هستند.

#### ۸-۲-۴. روایت دهم و یازدهم

- «قال عبد الرحمن للصادق عليه السلام أيضاً: أيجوز قفيز من حنطة بقفيزين من شعير؟ فقال: لا يجوز إلا مثلاً بمثل» (طباطبایی بروجردی، ۱۳۸۶: ۴۶۶/۲۳): همچنین عبد الرحمن از امام صادق عليه السلام پرسید: آیا معامله یک قفیز از گندم با دو قفیز از جو جایز است؟ حضرت فرمودند: جایز نیست مگر اینکه مثل به مثل معامله شوند.

- «قول الصادق عليه السلام في صحيح أبي نصر: الحنطة والشعير رأساً برأس لا يزداد واحد منهما على الآخر، إلى أن قال: والدقيق بالحنطة والسويق بالدقيق مثلاً بمثل لا بأس به»

(حرّ عاملی، ۱۴۱۶: ۱۸/۱۴۲)؛ سخن امام صادق علیه السلام در صحیح ابونصر: گندم و جو باید در معامله با یکدیگر برابر باشند و گرفتن زیاده صحیح نیست. همچنین در معامله آرد با گندم یا بلغور با آرد نیز باید مثل به مثل باشد.

بررسی روایت: اولاً احتمال اینکه روایت در مورد ربای قرضی باشد، وجود دارد. ثانیاً احتمال مساوی بودن قیمت شعیر و حنطه در آن زمان خاص وجود دارد. ثالثاً احتمال اینکه معنای «لا یزداد واحد منهما علی الآخر» عدم زیادت ارزشی باشد (نه تنها زیادت وزنی) وجود دارد.

منطقی که مقاله برای ملاک اتحاد دو جنس، یعنی هم‌ارزش بودن دو جنس داده است، در تفسیر این احادیث بسیار راهگشاست. روایات این باب، گندم و جو را از یک جنس می‌داند، چون در آن زمان به لحاظ ارزش معاملاتی، گندم و جو دارای ارزش مساوی بودند؛ یعنی هرچند جنس دو کالا با هم تفاوت دارد، ولی چون ارزش یکسانی داشته‌اند، لذا گرفتن تفاضل جایز نبوده است. لازم به ذکر است که ملاک هم‌ارزش بودن دو کالا به عرف جامعه برمی‌گردد. در زمان ائمه به دلیل اینکه مصرف جو همچون گندم شایع بوده، لذا ارزش یکسانی داشته‌اند، ولی ممکن است در زمان دیگری این دو، ارزش یکسانی نداشته باشند. لذا طبق قاعده می‌توان دو کالا را با تفاضل با هم معامله کرد.

### نتیجه‌گیری

یکی از اساسی‌ترین شروطی که برای ربای معاملی برشمرده می‌شود، شرط هم‌جنس بودن عوضین معامله است. فقها در فتاوی خود منظور از هم‌جنس بودن را استعمال لفظ مشترک یا حقیقت مشترک در عرف دانسته‌اند. با این حال با بررسی صورت گرفته، چنین نظریه‌ای در بسیاری از موارد مصداق ظلم خواهد بود و با عقل و عرف سازگار نیست. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیلی که فقها ذکر کرده‌اند، روایات صحیحی است که در این موضوع وجود دارند. وجود این روایات باعث شده که پذیرش این مسئله کاملاً تعبدی قلمداد شود. اما پذیرش تعبدی بودن احکامی که مربوط به معاملات است و عقل بشر مصلحت آن‌ها را متوجه می‌شود، امری مشکل

است، به ویژه اینکه حکمی کاملاً مصداق ظلم باشد. به همین منظور روایاتی که در این باب مبنای استدلال فقها قرار گرفته‌اند، مطالعه و بررسی شدند. بررسی روایات نشان داد که: اولاً دلیل حرمت معامله ربوی صرفاً به خاطر اتحاد دو جنس نیست، بلکه دلیل حرمت می‌تواند مواردی مثل ربای قرضی، وجود غرر و... باشد. ثانیاً بر فرض که روایات دلیل حرمت را هم‌جنس بودن بیان کرده باشند، برداشتی که از هم‌جنس بودن می‌شود، می‌تواند با فتوای فقها متفاوت باشد. نتایج تحقیق بیان می‌کند که شرط تحقق ربای معاملی، هم‌ارزش بودن دو کالا است، تا جایی که حتی گندم و جو هم ممکن است به لحاظ ارزش معاملاتی، هم‌ارزش شوند. این قول، هم به نظر عرف نزدیک است و هم با سیره عقلا سازگار است.

اگر شرط ربای معاملی را هم‌ارزش بودن دو کالا قرار دهیم، آنگاه اگر بخواهیم شرط ممنوعیت اخذ زیاده را اجرا کنیم، لزوماً باید بین دو کالا به لحاظ کیل و وزن تفاوت قائل شویم؛ مثلاً فرض کنید برنج ایرانی دو برابر برنج هندی ارزش دارد، در معامله این دو برنج با یکدیگر، باید هر کیلو برنج ایرانی با دو کیلو برنج هندی معامله شود. اگر چنین نشود و هر دو به یک میزان با هم معامله شوند، چون عوضین به لحاظ ارزش با هم برابر نیستند، لذا ربای معاملی محقق شده است.

## کتاب‌شناسی

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابوالحسینی، علی‌اکبر، «بررسی تطبیقی ربای معاملی (فضلی) و شرایط تحقیق آن»، *نشریه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۹، ۱۳۸۶ ش.
۴. جعفریور، جمشید، «بررسی فقهی ماهیت ربا»، *نشریه زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۳۴، ۱۳۸۰ ش.
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البتیة ع، لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ ق.
۶. حسینی عاملی، سیدجواد بن محمد، *مفتاح الکرامه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۷. حکیمی، محمد و دیگران، *ترجمه الحیة*، چاپ دهم، ترجمه احمد آرام، قم، دلیل ما، ۱۳۹۱ ش.
۸. خوانساری، محمد، *منطق صوری*، چاپ چهل و هشتم، تهران، دیدار، ۱۳۹۴ ش.
۹. درویش پوروا، محمد، «نقد و بررسی تعریف و موضوع ربا با توجه به فلسفه و سابقه تحریم آن»، *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۳، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن فضل، *مفردات الفاظ القرآن*، تهران، المکتبة المرتضویه، ۱۳۶۲ ش.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۰ ق.
۱۲. طباطبایی بروجردی، سیدحسین، *جامع احادیث الشیعه*، تهران، فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، *تکملة العروة الوثقی*، قم، مکتبه داوری، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. عاملی جعی، زین‌الدین بن علی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، انتشارات علمیه، ۱۳۹۶ ق.
۱۵. عراقی، آقا ضیاء‌الدین، *شرح تبصرة المتعلمین*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی‌تا.
۱۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، *ارشاد الأذهان الی احکام الایمان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، *شرایع الاسلام*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۹ ق.
۱۸. مطهری، مرتضی، *مسئله ربا*، چاپ پنجم، تهران، صدرا، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۲۰. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *تحریر الوسیله*، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۲۱. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام*، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.